

درسنامه کفایة الأصول

جلد اول
مقدمات

عبدالحسن توده فلاح

۲۰۶۳۶۷۴



مشارت مناره
MESAREH PUBLICATIONS

سرشناسه: توده فلاح، عبدالحسین، ۱۳۴۲

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه کفایة الاصول - جلد اول؛ مقدمات / عبدالحسین توده فلاح

شناسه افزوده: آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، ۱۲۵۵-۱۳۹۲ ق. کفایة الاصول

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مناره، ۱۳۹۸.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۰۰-۴۶-۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱۲

رده بندی کنگره: BP۱۵۹/۸

شماره ثبت کتاب ملی: ۵۹۴۲۶۲۲



جلد اول: مقدمات

مؤلف: عبدالحسین توده فلاح

دستیاران: محمدرضا توده فلاح، مهرداد عاظمی، حمید منصوری

ناشر: انتشارات مناره

تاریخ نشر: ۱۳۹۸

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۰۰-۴۶-۵

قیمت: ۴۸,۰۰۰ تومان

فروشگاه اینترنتی: www.Menarehpub.com

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۵۲۴۲۲۷۴ / ۵۵۶۵۱۶۵۳-۰۲۱

مرکز بخش قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه دوم، واحد ۲۱۷

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۵۱۷

خانه کتاب صبح امید

فهرست مطالب

۲۱	مقدمه
۲۶	اهداف
۲۷	چارچوب «درسنامه»
۲۸	۱- عنوان
۲۸	۲- پیش‌نیاز
۲۸	۳- تحریر مسئله
۲۹	۴- خلاصه نظر آخوند رحمه الله و دیگر آراء مطرح در درس
۲۹	۵- متن کلامیه ادبیات
۳۰	۶- ترجمه و شرح مختصر فارسی
۳۰	۷- پرسش‌های کاربردی
۳۱	۸- اصطلاح‌شناسی
۳۱	۹- فکر کنید (پرسش‌هایی برای اندیشه بیشتر)
۳۲	۱۰- موضوعاتی برای تحقیق
۳۲	نتایج و کاربرد
۳۳	تذکر چند نکته
۳۴	طرح درس
	درس اول
۳۵	موضوع و تعریف علم اصول فقه
۳۵	پیش‌نیاز
۳۵	۱- اجزاء علوم
۳۷	۲- ارتباط موضوع علم با موضوعات مسائل
۳۷	۳- تصدیق به وجود موضوع از مبادی علم است
۳۸	تحریر مسئله
۳۹	خلاصه نظر آخوند رحمه الله
۴۱	متن و شرح
۴۱	موضوع علم
۴۱	دانش‌ها می‌توانند در پاره‌ای از مسائل مشترک باشند
۴۲	هرگز دو علم در تمامی مسائل یکسان نمی‌شوند
۴۳	ملاک تمایز علوم از یکدیگر
۴۴	لازم نیست موضوع علم دارای عنوان خاصی باشد
۴۵	موضوع علم اصول فقه: کلی متحد با موضوعات مسائل آن است
۴۵	«ادله اربعه» موضوع علم اصول فقه نیست

۴۶	استدلال شیخ انصاری رحمه الله برای اثبات موضوعیت ادله اربعه
۴۷	رد استدلال شیخ انصاری رحمه الله
۴۷	پاسخ به یک اشکال
۴۸	بنابر اصطلاح دوم سنت نیز، «ادله اربعه» همه مسائل اصول فقه را در بر نمی گیرد
۴۹	تعریف مشهور از «علم اصول فقه»
۴۹	اصلاح تعریف مشهور
۵۲	پرسش های کلیدی
۵۲	اصطلاح شناسی
۵۳	فکر کنید
۵۳	موضوعاتی برای تحقیق
۵۵	مجموع و اقسام آن
۵۵	تحریر مسئله
۵۵	زبان
۵۶	سبب وضع
۵۶	نتیجه وضع
۵۷	حقیقت استعمال معنایی و نحوه تحقق آن
۵۸	چیزی وضع
۵۸	واضع کیست؟
۵۹	اقسام وضع
۶۰	چرایی ابداع این تقسیم
۶۱	خلاصه نظر آخوند رحمه الله
۶۳	متن و شرح
۶۳	تعریف وضع
۶۳	اقسام وضع
۶۴	«وضع خاص-موضوع له عام» محال است
۶۴	تداعی معانی
۶۵	«وضع عام-موضوع له خاص» وجود ندارد
۶۶	وضع حروف از نوع «وضع عام-موضوع له عام» است
۶۷	حقیقت «معانی حرفی»
۶۸	تالی فاسد جزئی دانستن معانی حروف
۶۸	«معانی حروف» کلی هستند
۶۹	فروق میان معانی حروف و معانی اسمی
۷۰	جمله خبری-جمله انشائی
۷۰	اسماء اشاره و ضمائر
۷۱	حالات و ویژگی های «استعمال» داخل در معنای «مستعمل فیه» نمی شود
۷۳	پرسش های کلیدی
۷۳	اصطلاح شناسی

۷۴.....	فکر کنید.....
۷۵.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس سوم
۷۷.....	ملاک صحت استعمال مجازی.....
۷۷.....	تحریر مسئله.....
۷۷.....	خلاصه نظر اصولیون.....
۷۹.....	متن و شرح.....
۷۹.....	ملاک صحت استعمال مجازی وضع است یا طبع؟.....
۷۹.....	استعمال مجازی بر اساس پذیرش طبع صاحبان زبان انجام می شود.....
۸۱.....	پرسش های کلیدی.....
۸۱.....	اصطلاح شناسی.....
۸۱.....	فکر کنید.....
۸۱.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس چهارم
۸۳.....	اطلاق لفظ بر نظر.....
۸۳.....	تحریر مسئله.....
۸۴.....	خلاصه نظر آخوند رحمته الله
۸۵.....	بررسی اقسام چهارگانه.....
۸۷.....	متن و شرح.....
۸۷.....	استعمال لفظ در نوع و صنف خراج است.....
۸۷.....	پاسخ به یک اشکال.....
۸۸.....	استعمال «مهملات» مجازی است.....
۸۸.....	اطلاق لفظ بر شخص خودش.....
۹۱.....	استعمال لفظ در مثل خود.....
۹۴.....	پرسش های کلیدی.....
۹۴.....	اصطلاح شناسی.....
۹۴.....	فکر کنید.....
۹۴.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس پنجم
۹۵.....	دلالت تابع وضع است یا اراده؟.....
۹۵.....	تحریر مسئله.....
۹۶.....	خلاصه نظر آخوند رحمته الله
۹۶.....	۱- دلالت تصویری.....
۹۶.....	۲- دلالت تصدیقی.....
۹۸.....	متن و شرح.....
۹۸.....	اراده گوینده دخلی در موضوع له الفاظ ندارد.....
۱۰۰.....	فرمایش شیخ الرئیس رحمته الله و محقق طوسی رحمته الله
۱۰۱.....	پاسخ به یک اشکال.....

۱۰۳	پرسش های کلیدی
۱۰۳	اصطلاح شناسی
۱۰۳	فکر کنید
۱۰۳	موضوعاتی برای تحقیق
۱۰۵	درس ششم
۱۰۵	آیا الفاظ مرکب، وضعی جداگانه دارند؟
۱۰۵	پیش نیاز
۱۰۵	وضع شخصی - وضع نوعی
۱۰۵	تحریر مسئله
۱۰۶	خلاصه نظر آخوند رحمته
۱۰۷	متن و شرح
۱۰۷	وضع جداگانه الفاظ مرکب، یک توهم است
۱۰۹	پرسش های کلیدی
۱۰۹	اصطلاح شناسی
۱۰۹	فکر کنید
۱۱۰	موضوعاتی برای تحقیق
۱۱۱	درس هفتم
۱۱۱	نشانه های معنای حقیقی الفاظ
۱۱۱	پیش نیاز
۱۱۱	حمل اولی ذاتی - حمل شایع
۱۱۱	تحریر مسئله
۱۱۳	خلاصه نظر آخوند رحمته
۱۱۵	متن و شرح
۱۱۵	نشانه اول: تبادل
۱۱۵	پاسخ به اشکال دور
۱۱۷	نشانه دوم: عدم صحت سلب
۱۱۹	«اطراد» نشانه حقیقی بودن معنا نیست
۱۲۱	پرسش های کلیدی
۱۲۱	اصطلاح شناسی
۱۲۱	فکر کنید
۱۲۲	موضوعاتی برای تحقیق
۱۲۳	درس هشتم
۱۲۳	حالات ثانوی الفاظ و تعارض آنها
۱۲۳	تحریر مسئله
۱۲۴	خلاصه نظر صاحب فصول رحمته و آخوند رحمته
۱۲۴	نظر صاحب فصول رحمته
۱۲۵	نظر آخوند رحمته
۱۲۶	متن و شرح

فهرست ❖ ۱۳

۱۲۶	پنج حالت ثانوی که گاهی بر الفاظ عارض می‌شوند
۱۲۶	تعارض حالات پنج‌گانه
۱۲۸	پرسش‌های کلیدی
۱۲۸	اصطلاح‌شناسی
۱۲۸	فکر کنید
۱۲۸	موضوعاتی برای تحقیق
	درس نهم
۱۲۹	حقیقت شرعی
۱۲۹	تحریر مسئله
۱۳۰	خلاصه نظر آخوند رحمته‌الله
۱۳۱	متن و شرح
۱۳۱	وضوح معینی با استعمال نیز انجام می‌شود
۱۳۱	این نوع استعمال نه حقیقی است و نه مجازی
۱۳۲	الفاظ عبادات جدید
۱۳۳	الفاظ عبادات کهن و گزیده نیز وجود داشته‌اند
۱۳۶	نمونه اصولی مسئله
۱۳۶	استصحاب نمی‌تواند «تأیید است» را اثبات کند
۱۳۷	محل جریان استصحاب
۱۳۹	پرسش‌های کلیدی
۱۳۹	اصطلاح‌شناسی
۱۳۹	فکر کنید
	درس دهم
۱۴۱	صحیح و اعم
۱۴۱	پیش‌نیاز
۱۴۱	تحریر مسئله
۱۴۴	خلاصه نظر آخوند رحمته‌الله
۱۴۴	بخش اول: عبادات
۱۴۶	متن و شرح
۱۴۶	طرح این مسئله وابسته به پذیرش حقیقت شرعی است
۱۴۷	بررسی نظریه باقلانی
۱۴۸	معنای صحت
۱۴۹	افراد صحیح عبادات یک عنوان جامع دارند
۱۵۰	تقریر اشکال شیخ انصاری رحمته‌الله
۱۵۱	پاسخ به اشکال شیخ انصاری رحمته‌الله
۱۵۲	تلاش‌های مردود قائلین به «اعم» برای ارائه یک عنوان جامع
۱۵۳	تلاش اول
۱۵۴	پاسخ
۱۵۴	تلاش دوم

۱۵۵	تلاش سوم
۱۵۶	تلاش چهارم
۱۵۸	تلاش پنجم
۱۵۹	وضع اسامی عبادات از نوع «وضع عام-موضوع له عام» می باشد
۱۶۱	پرسش های کلیدی
۱۶۱	اصطلاح شناسی
۱۶۱	فکر کنید
۱۶۲	موضوعاتی برای تحقیق
	درس یازدهم
۱۶۳	شیء صحیح و اعم
۱۶۳	ن و شرح
۱۶۳	بر اساس مبنای «صحیحی»، اطلاق عناوین عبادات قابل استناد نیست
۱۶۴	اثر و شرح بر احتمال عرفی
۱۶۷	پرسش های کلیدی
۱۶۷	اصطلاح شناسی
۱۶۷	فکر کنید
۱۶۷	موضوعاتی برای تحقیق
	درس دوازدهم
۱۶۹	بررسی استدلال ها
۱۶۹	متن و شرح
۱۶۹	استدلال اول «صحیحی»
۱۷۰	استدلال دوم «صحیحی»
۱۷۰	استدلال سوم «صحیحی»
۱۷۲	استدلال چهارم «صحیحی»
۱۷۳	استدلال اول «اعمی»
۱۷۴	استدلال دوم «اعمی»
۱۷۴	استدلال سوم «اعمی»
۱۷۵	استدلال چهارم «اعمی»
۱۷۷	استدلال پنجم «اعمی»
۱۸۰	پرسش های کلیدی
۱۸۰	فکر کنید
	درس سیزدهم
۱۸۱	جریان مبحث صحیح و اعم در اسامی معاملات
۱۸۱	تحریر مسئله
۱۸۱	خلاصه نظر آخوند رحمته الله علیه
۱۸۱	بخش دوم: معاملات
۱۸۳	متن و شرح
۱۸۳	اسامی «عقد» معاملات برای «صحیح» وضع شده اند

۱۸۴	پذیرش صحیح یا اعم در معاملات، فاقد ثمره است
۱۸۶	صحت و تمامیت یک عمل به چه چیزهایی بستگی دارد؟
۱۹۰	پرسش‌های کلیدی
۱۹۰	اصطلاح‌شناسی
	درس چهاردهم
۱۹۱	اشتراک لفظی
۱۹۱	تحریر مسئله
۱۹۱	خلاصه نظر آخوند رحمته الله علیه و اصولیون
۱۹۳	متن و شرح
۱۹۳	اشتراک لفظی مستلزم هیچ محذوری نیست
۱۹۷	پرسش‌های کلیدی
۱۹۷	اصطلاح‌شناسی
۱۹۷	فکر کنید
۱۹۷	موضوعاتی برای تحقیق
	درس پانزدهم
۱۹۹	استعمال لفظ در چند معنا
۱۹۹	تحریر مسئله
۲۰۰	خلاصه نظر آخوند رحمته الله علیه ، صاحب قوانین رحمته الله علیه و صاحب معالم رحمته الله علیه
۲۰۰	نظر آخوند رحمته الله علیه
۲۰۰	نظر صاحب قوانین رحمته الله علیه
۲۰۰	نظر صاحب معالم رحمته الله علیه
۲۰۱	پاسخ آخوند رحمته الله علیه به صاحب قوانین رحمته الله علیه و صاحب معالم رحمته الله علیه
۲۰۲	متن و شرح
۲۰۲	استعمال یک لفظ در چند معنا، محال است
۲۰۲	لفظ فانی در معنا می‌گردد
۲۰۳	تفاوتی میان استعمال حقیقی و استعمال مجازی در این مسئله وجود دارد
۲۰۳	رد نظریه صاحب قوانین رحمته الله علیه
۲۰۴	رد نظریه صاحب معالم رحمته الله علیه
۲۰۵	دلیل بطلان تفصیل صاحب معالم رحمته الله علیه
۲۰۸	بطن‌های معانی قرآن کریم به معنای کثرت استعمال نیست
۲۰۹	پرسش‌های کلیدی
۲۰۹	اصطلاح‌شناسی
۲۰۹	فکر کنید
۲۱۰	موضوعاتی برای تحقیق
	درس شانزدهم
۲۱۱	مشق
۲۱۱	تحریر مسئله
۲۱۴	خلاصه نظر آخوند رحمته الله علیه و دیگر اصولیون

۲۱۶.....	متن و شرح.....
۲۱۶.....	«مشتق» در اصطلاح اصول فقه.....
۲۱۸.....	عنوان «مشتق»، جوامد را نیز شامل می‌شود.....
۲۲۰.....	آیا اسم زمان در محل بحث داخل است؟.....
۲۲۳.....	پرسش‌های کلیدی.....
۲۲۳.....	اصطلاح‌شناسی.....
۲۲۳.....	فکر کنید.....
۲۲۴.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس هفدهم
۲۲۵.....	آیا زمان جزء معنای موضوع‌له افعال است؟.....
۲۲۵.....	نیاز.....
۲۲۵.....	تحریر مسئله.....
۲۲۶.....	خلاصه نظر ا- ب- ج.....
۲۲۸.....	متن و شرح.....
۲۲۸.....	«زمان» در معنای موضوع‌له افعال داخل نیست.....
۲۲۸.....	معنای افعال ماضی و مضارع.....
۲۳۱.....	پرسش‌های کلیدی.....
۲۳۱.....	اصطلاح‌شناسی.....
۲۳۱.....	فکر کنید.....
۲۳۲.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس هجدهم
۲۳۳.....	معنای حروف.....
۲۳۳.....	تحریر مسئله.....
۲۳۳.....	خلاصه نظر آخروند.....
۲۳۴.....	متن و شرح.....
۲۳۴.....	تفاوت میان معنای حرف و معنای اسم.....
۲۳۵.....	معنای موضوع‌له «حرف»، همانند معنای موضوع «اسم»، کلی طبع است.....
۲۳۷.....	جمع‌بندی.....
۲۳۸.....	پرسش‌های کلیدی.....
۲۳۸.....	اصطلاح‌شناسی.....
۲۳۸.....	فکر کنید.....
۲۳۸.....	موضوعاتی برای تحقیق.....
	درس نوزدهم
۲۳۹.....	انواع مبادی اشتقاق.....
۲۳۹.....	تحریر مسئله.....
۲۳۹.....	خلاصه نظر آخروند.....
۲۴۱.....	متن و شرح.....
۲۴۱.....	هینت مشتقات مورد بحث اصولیون است.....

۲۴۲.....	مراد از «حال» در عنوان مسئله
۲۴۴.....	محل مناقشه در مسئله مشتق
۲۴۶.....	پرسش های کلیدی
۲۴۶.....	اصطلاح شناسی
۲۴۶.....	فکر کنید
	درس بیستم
۲۴۷.....	تأسیس اصل در مسئله مشتق
۲۴۷.....	پیش نیاز
۲۴۷.....	مراد از تأسیس اصل چیست؟
۲۴۸.....	تحریر مسئله
۲۴۸.....	خلاصه نظر آخوند رحمته الله
۲۵۰.....	متن و شرح
۲۵۰.....	بیج اصل لفظ و اصل عملی در مسئله مشتق وجود ندارد
۲۵۱.....	در خصوص مورد اول، اصل عملی جاری می شود
۲۵۳.....	پرسش های کلیدی
۲۵۳.....	اصطلاح شناسی
۲۵۳.....	فکر کنید
	درس بیست و یکم
۲۵۵.....	دلایل اختصاص مشتق به متصف القهر
۲۵۵.....	خلاصه نظر آخوند رحمته الله
۲۵۶.....	علامت «عدم صحت سلب» مشروط به اطلاق لفظ است
۲۵۸.....	متن و شرح
۲۵۸.....	نظریه صحیح
۲۶۰.....	پاسخ به یک اشکال
۲۶۳.....	استعمال مشتقات در موارد انقضاء، به لحاظ حال تلبس انجام می شود
۲۶۴.....	استعمال مشتق در موارد منقضی به لحاظ حال تلبس، یک نحو احوال قیقم است
۲۶۵.....	دلالت «صحت سلب» بر تجوز، مشروط به اطلاق است
۲۶۷.....	فرقی میان مشتق لازم و مشتق متعدی وجود ندارد
۲۶۹.....	پرسش های کلیدی
	درس بیست و دوم
۲۷۱.....	بررسی ادله کسانی که معتقدند معنای مشتق اعم از منقضی است
۲۷۱.....	متن و شرح
۲۷۱.....	شمول موارد منقضی با توسعه عرفی معنای مبدأ انجام می شود
۲۷۳.....	استدلال به آیه شریفه ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾
۲۷۴.....	انواع عناوین موضوعات احکام
۲۷۶.....	پاسخ به یک اشکال
۲۷۷.....	تفصیل میان محکوم علیه و محکوم به باطل است
۲۷۹.....	پرسش های کلیدی

۲۷۹.....	فکر کنید
۲۸۱.....	درس بیست و سوم
۲۸۱.....	آیا معنای مشتق بسیط است؟
۲۸۱.....	پیش نیاز
۲۸۱.....	ذاتی - عرضی
۲۸۲.....	تحریر مسئله
۲۸۳.....	خلاصه نظر اصولیون و حکما
۲۸۴.....	تبیین نظر حکما
۲۸۶.....	متن و شرح
۲۸۶.....	استدلال اول میرسیدشریف رحمته الله
۲۸۷.....	بررسی اشکال صاحب فصول رحمته الله بر استدلال اول
۲۹۰.....	سخن حکیم حاج ملاهادی سبزواری رحمته الله
۲۹۳.....	بسی بدو، حظه
۲۹۷.....	استدلال دیگر برای بساطت
۲۹۷.....	معنای بساطت
۲۹۸.....	فروق مشتق با مبدء اشتقاق
۳۰۱.....	پرسش های کلیدی
۳۰۱.....	اصطلاح شناسی
۳۰۱.....	فکر کنید
۳۰۲.....	موضوعاتی برای تحقیق
۳۰۳.....	درس بیست و چهارم
۳۰۳.....	آیا حمل حقیقی مشتقات مشروط به ملائظه تأیید است؟
۳۰۳.....	تحریر مسئله
۳۰۴.....	متن و شرح
۳۰۴.....	حمل حقیقی مشتقات، مشروط به اعتبار ترکیب مجموع
۳۰۶.....	پرسش های کلیدی
۳۰۷.....	درس بیست و پنجم
۳۰۷.....	آیا حمل حقیقی مشتقات، مشروط به مغایرت عینی است؟
۳۰۷.....	تحریر مسئله
۳۰۸.....	متن و شرح
۳۰۸.....	حمل حقیقی مشتقات مشروط به مغایرت عینی ذات با مبدء نیست
۳۱۰.....	پرسش های کلیدی
۳۱۱.....	درس بیست و ششم
۳۱۱.....	آیا حمل حقیقی مشتقات، مشروط به قیام عروضی است؟
۳۱۱.....	تحریر مسئله
۳۱۲.....	خلاصه نظر اصولیون
۳۱۲.....	نظر آخوند رحمته الله
۳۱۴.....	متن و شرح

مقدمه

جایگاه کتاب «کفایة الأصول» تألیف محقق بزرگ آخوند محمد کاظم خراسانی رحمته الله در میان کتب اصول فقه، بی نیاز از توضیح است. این اثر ارزشمند، مهمترین کتاب سطوح عالی است که عمده محاور تمامی مباحث، دروس خارج، تقریرات و تألیفات اصولی و مورد اهتمام بزرگان فن بر آن استوار است. همچنین تعلیقات ارزشمندی نیز بر آن نگاشته شده که برخی از آنها همچون نهایة الایة رحمته الله اصفهانی، خود موسوعه‌ای بزرگ از مباحث اصولی، فلسفی و گاه فقهی به شمار می‌رود.

در اهمیت این کتاب همین بس که حکیم الهی علامه طباطبایی رحمته الله که بیشتر به علوم عقلی، معارف و تفسیر قرآن کریم پرداخته‌اند، «کفایة» را مرور نگذاشته و حاشیه‌ای بی نظیر بر آن نگاشته‌اند؛ حاشیه‌ای پر از حقایق حکمی و اندرینی که هنوز آنگونه که باید مورد توجه و استفاده قرار نگرفته است.

این جایگاه ویژه سبب شده است درک مطالب و احاطه بر متن «کفایة» رجعت بهمت طلاب سطح عالی حوزه‌های علمیه و اخیراً دانشجویان برخی از رشته‌ها باشد؛ امری که به دشواری قابل وصول بوده و تلاش‌های اساتید محترم در کلاس‌ها و برنامه‌های محدود حوزه‌ها و دانشگاه‌ها نیز نمی‌تواند آن گونه که باید پاسخ‌گوی این نیاز باشد؛ چرا که آخوند رحمته الله در تنظیم و تألیف کتاب خود، فرض را بر آن نهاده است که خواننده، نه تنها اشراف لازم بر اصل مطلب داشته، محل نزاع را می‌داند و با اقوال معروف آشنا است؛ بلکه خود نیز پیرامون آن اندیشیده و دست کم یکی از آراء را ترجیح داده است. وی در

«کفایه» کسانی را مخاطب خویش قرار داده است که لااقل یکی دو دوره فلسفه و منطق را گذرانده و بهره کافی از فقه نیز دارند.

روش آخوند رحمته الله در تدوین «کفایه»، آن را دارای ویژگی‌های خاصی نموده است که ضرورت تألیف «درسنامه کفایه الاصول» را برای تدریس و تدرّس آن در پی دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) در بسیاری از مواقع بی آنکه در ابتدا صورت مسئله به طور روشن تبیین گشته و عناصر و ارکان آن تعریف شوند، به طرح اجمالی عنوان مسئله اکتفاء و وارد جزئیات شده به نقض و ابرام اقوال پرداخته می‌شود.

مثلاً بدون تعریف حقیقت شرعی و توضیح فرق آن با حقیقت منشرعه و فرق آن دو با حقیقت لغوی و بی آنکه ته‌ریز دقیقی از محل نزاع ارائه گردد، بحث این گونه آغاز می‌شود: «اختلفوا في ثبوت الحجة الشرعية...» در اینکه آیا «حقیقت شرعی» داریم یا خیر، اختلاف است؛ پیش از هر چیز باید بدانیم که وضع تعینی همان گونه که با تصریح انجام می‌شود با استعمال نیز صورت پذیر است...».

گاهی حتی عنوان مجملی از مسئله نیز ارائه نمی‌گردد. امر چهارم، پنجم، ششم و هفتم مقدمه، این چنین هستند.

ب) در اکثر موارد، نظر نهایی کتاب با صراحت در یکجای ردّ اوست و بیان نشده است؛ بلکه در گیر و دار نزاع و ارزیابی اقوال و تقریر ادله به دست می‌آید؛ مانند نظر آخر رحمته الله در مبحث «اجتماع امر و نهی» و «مبحث ارادة لفظ از اطلاق آن». از همین رو به دست آوردن نظر ایشان، خود یکی از مشکلات طالبین مباحث آن می‌باشد که بر دشواری کتاب افزوده است.

ج) بی آنکه نخست نظر مقابل که مورد نقد است، بطور کامل بیان و تصویر روشنی از آن به دست داده شود، به نقاط ضعف آن اشاره کرده در مسیر تضعیف آن به تقویت رأی کتاب پرداخته می‌شود. حتی گاهی با صراحت به رأی مخالف اشاره نمی‌شود؛ بلکه ما در خلال مطالب در می‌یابیم اقوال دیگری مطرح و مورد نظر نویسنده می‌باشد. بسیار روشن

است که داشتن تصویر روشن از اقوال و مبانی مختلف، برای متعلم بسیار ضروری است. (د) بی شک هر یک از اقوال و آراء بر اساس مبانی خاصی شکل گرفته است که بدون روشن شدن آن مبانی، ارزیابی و بررسی آن نظریات به درستی انجام نمی شود؛ زیرا گاهی اصل مبنا است که مورد نقد قرار می گیرد و گاه نیز پس از پذیرش مبنا، آنچه مورد نقد است نحوه استفاده و نتیجه گیری از آن مبنا می باشد.

کتاب با این فرض که خواننده، آشنا با اقوال و مبانی آنها است، در بسیاری از موارد به طور روشن به عکس مبانی و تمیز آنها از یکدیگر نپرداخته و فقط در میان رد و اشکالها است که می ران مبانی اقبال را بدست آورد؛ مثلاً تا مبانی صحیح و پذیرفته شده در مبادی احکام همچون «حقیقت حکم»، «متعلقات احکام»، «مراحل حکم»، «نحوه تقابل احکام» و... به درستی متفحص نشود، ارزیابی آراء و اقوال در مباحث مهمی همچون «اقتضاء» و «اجتماع امر و نهی» ممکن نخواهد بود. به ویژه آنکه گاهی مبانی یک رأی مورد نقد کتاب می باشد و گاه مبانی آن مورد پذیرش بوده و فقط نحوه استنتاج از آن، مورد تخطئه قرار می گیرد.

ه) گاهی اصل یک مطلب متعلق به شخص دیگری است که آخوند رحمته الله فقط بخشی از آن را نقل کرده و به بررسی و نقض و ابرام می پردازد؛ حال آنکه فقط با توجه به بخش های دیگر سخن آن شخص، رفع ابهامات و پاسخ گویی به استدلالات، ممکن خواهد بود؛ مانند مقدمه هشتم که درباره احوال پنج گانه لفظ است. آخوند در این مقدمه اصل مطلب و حتی عبارت آن را نیز از صاحب فصول رحمته الله گرفته است؛ و می گوید:

«انه للفظ احوال خمس و هي التجوز و الاشتراك و التخصيص و النقل و الإضمار»^۱

دانش پژوه در همان ابتدا با این پرسش و اشکال مواجه می شود که چرا حالات لفظ در این پنج مورد محدود شده حال آنکه استعمال حقیقی و اشتراک معنوی نیز از حالات آن است؟ در پی یافتن پاسخ به کتاب «فصول» مراجعه می کنیم و عبارت را چنین می یابیم:

«ان للفظ احوال خمسة معروفة مخالفة للأصل هي: المجاز و الاشتراك و النقل و

التخصيص و الإضمار؛ فلا يصار اليها الا للتحليل»^۱

«پنج حالت بر الفاظ عارض می شود که خلاف اصل وضع آن بوده و اثبات آنها نیازمند دلیل است؛ این پنج حالت عبارتند از: استعمال مجازی، اشتراک لفظی، نقل لفظ از معنای اصلی خود، تخصیص و اضممار.»؛

بدن ترتیب روشن می شود آخوند با حذف عبارت «مخالفة للأصل» در اصل مطلب ایجاد حتمال و شبهه نموده است. بنابراین حالات الفاظ محدود به این پنج نیستند؛ بلکه عروض حالات خلاف اصل است که محدود به این پنج می باشد.

و) گاه یک مسئله دارای جنبه های مختلف لغوی و لفظی، مفهومی و عقلایی و همچنین جنبه عقلی و اعتقادی است که باید از یکدیگر جدا و تمیز داده شده، آنگاه مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ و در کتاب کفایه همه جنبه ها بدون تفکیک، همراه و همزمان مورد بحث قرار می گیرد. برپایندگی و دشواری آن می افزاید. مبحث «طلب و اراده» یکی از این نمونه ها است.

ز) همان گونه که معروف است کفایه، یک اصل فقهی کاملاً عقلی است. و اکثر مباحث کتاب به گونه ای تنظیم شده که با مباحث فقهی و فلسفی درگیر بوده و فهم درست آن منوط به آشنایی کامل با آن مباحث عقلی و اصولی است. معروف در آن است.

این مطلب نیازمند آوردن نمونه نیست؛ اکثر مباحث کفایه چنین است. به گونه ای که حتی مباحث لفظی مانند «وضع»، «معانی حرفی»، «دلالت» و... مملو از اصطلاحات منطقی و فلسفی است^۲ که بدون اطلاع کافی از آنها مطالب درس قابل درک نخواهد بود. ح) از آنجا که مباحث در سطح عالی طرح شده است، با مسائل فراوان و گوناگونی مرتبط می باشند که باید به هر یک جداگانه پرداخت. به عنوان نمونه در اولین مبحث

۱- الفصول الغروية، ص ۴۰.

۲- میزان درستی روش به کارگیری مباحث فلسفی، تحقیقی جنای طلب که در «تفحیح و اصلاح اصول فقه» به آن پرداختیم.

کتاب که درباره تعریف و موضوع علم اصول می باشد و در سه صفحه تنظیم گشته به مطالبی اشاره شده است که برای فهم کامل درس باید همه آنها به تفصیل توضیح داده شوند. این مطالب عبارتند از: اجزاء علوم، فرق مسائل با مبادی، تعریف عرض ذاتی، نحوه ارتباط موضوع هر علمی با مسائلیش، چستی موضوع علم اصول، ارزیابی «ادله اربعه» به عنوان موضوع اصول، تفاوت «ادله بما هی» با «ادله بما هی ادله»، ارزیابی تعریف مشهور از اصول فقه، ارائه تعریف جدید، امکان تداخل علوم، ملاک وحدت مسائل یک علم، ملاک تمام علوم از یکدیگر، فرق کان تامه و ناقصه، تفاوت دو اصطلاح از «سنت»، فرق ثبوت حقیقی و ثبوت نسبی، معنای حجیت خبر، پیامد های اعم بودن گستره موضوع یک مسئله از موضوع علم فقه، حجیت ظن مطلق بنابر حکومت و بنابر کشف، فرق شبهات موضوعیه با شبهات حدیه در اصولی بودن.

ط) آخوند کتاب خویش را در هرگاه از هماوردی با دو پهلوان عرصه اصول، شیخ اعظم مرتضی انصاری رحمته الله علیه و محقق رحمته الله علیه سیّد محمدحسین غروی اصفهانی رحمته الله علیه صاحب فصول قرار داده است و می توان گفت: کفایه عمدتاً ناظر به آراء و اقوال این دو بزرگوار است. لذا دانستن آراء ایشان و حتی نقل اصوات و عباراتشان، نقش مهمی در فهم کفایه ایفا می کند.

ی) از آنجا که آخوند رحمته الله علیه، اهل تحقیق را مخاطب کتاب خویش قرار داده است، هرگاه سیر مباحث اصولی با مسئله ای فلسفی، کلامی و یا حتی ادبی در تماس بوده، راجع به آن نیز به بررسی و تحقیق پرداخته است؛ بی آنکه نقشی در اتخاذ مبنا در مسئله اصولی داشته باشد. «دلالت فعل بر زمان»، «بساطت و ترکیب مشتق»، «جبر و تفویض» و «طلب و اراده» نمونه هایی از آنها هستند.

ک) ایجاز در کلام، تعقید در عبارات و استفاده تعمّدی زیاد از ضمائر و اسماء اشارات سبب گشته بر دشواری فهم مطالب کتاب افزوده گردد؛ به گونه ای که گاهی مطالب مهم و ارزشمند کتاب در پیچ و خم عبارات گم می شوند.